بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

برنامه راه روشن ۱۴۰۵/۰۶/۰۲ (قسمت۱۶۰)

عنوان برنامه: تاجگذاری و تتویج

استاد: **حضرت استاد حجت الاسلام و المسلمین دکتر ابوالقاسمی**

مجری: حاج آقای غضبانی

کلیدواژه‌ها:تاج‌گذاری، امام زمان، جشن، شیعیان و...

فهرست عناوین بحث:

۱-آیا مسئله‌ی تاج‌گذاری یک بحث حکومتی است یا خیر؟
۲-تاج‌گذاری در انجیل.

مجری:
اللّهُمَ صَلی علی مُحمّدٍ و آل مُحمد و عَجِل فَرَجَهُم
عزیزان بیننده سلام، عرض ادب و احترام ما را از شبکه‌ی جهانی حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پذیرا باشید.

دوشنبه‌ای دیگر شد و طبق میعادگاهمان در شام دوشنبه افتخار این را پیدا کردیم با برنامه‌ی «راه روشن» در خدمت شما باشیم و ان‌شاءالله از محضر استاد گران قدرمان جناب آقای دکتر ابوالقاسمی بهره مند خواهیم شد در این برنامه و امشب هم اینگونه باشد. استاد عزیز سلام وقت شما بخیر، خیلی خوش آمدید.

حضرت استاد حجت الاسلام و المسلمین دکتر ابوالقاسمی:
سلام علیکم و رحمه الله.
اَعوذُ بِاللهِ مِن الشیطانِ الرَجیم بِسمِ اللهِ الرَحمنِ الرَحیم. اللّهُمَ کُن لوَلیکَ الحُجةِ بنِ الحَسن صَلواتُکَ عَلیهِ وَ علی آبائِه فی هذهِ السّاعَةَ وَ فی کلّ ساعَة وَلیاً وَ حافظاً وَ قاعداً وَ ناصِراً وَ دَلیلاً و عَیناً حتّی تُسکِنُه اَرضِکَ طَوعاً و تُمتّعَهُ فیها طَویلا.

عرض سلام دارم خدمت شما حاج آقای غضبانی و خدمت بینندگان عزیز و گران‌قدر شبکه‌ی حضرت ولی عصر و امیدوارم هر کجا که هستند موفق و پیروز باشند، خدمتتان هستم.

مجری:

خیلی خوش آمدید، متشکرم از اینکه دعوت ما را پذیرفتید و تشریف آوردید، ان‌شاءالله که بتوانیم در زمانی که در خدمت شما هستیم موقعیت خوبی را برای بینندگان فراهم کنیم و صالح احوال ما و شما ثبت بشود ان‌شاءالله.

عزیزان بیننده همکاران ما در شبکه‌ی جهانی ولی عصر و دست اندرکاران این شبکه همیشه تلاش می‌کنند که برنامه‌ها با موضوعاتی باشد که به روز باشد، در فضای مجازی یا در جامعه یک چیزهایی در مورد آن منتشر شده باشد و احیاناً اگر خدای نکرده شبهه‌ای چیزی برای کسی فراهم بیاید سعی می‌کنند آن شبهه را رفع کنند و به اصطلاح آن نکته‌ی تاریک را روشن کنند، بخاطر همین است که نام این برنامه راه روشن است.

ما در برنامه‌ی امشب هم یکی از همین مباحث را ان‌شاءالله با حضور جناب آقای دکتر ابوالقاسمی مطرح خواهیم کرد و تلاشی که ایشان برای تهیه‌ی اینگونه مباحث می‌کنند. ۳۰۰۰۱۵۱۵۱۵ سامانه‌ی پیامکی ما است. تلفنی زیرنویس می‌شود که پل ارتباطی ما و شما است، سؤالات متعدد را مطرح کنید. سؤالات قرآنی هم اگر داشتید جناب آقای دکتر پاسخگوی سؤالات قرآنی شما خواهند بود. علاوه بر ماهواره، از طریق ایتا، کانال شبکه جهانی حضرت ولی عصر و از طریق «اپلکیشن شبکه حضرت ولی عصر»، «آرشیو شبکه» که در سایت‌مان است، در این شبکه‌ها همزمان و به صورت زنده می‌توانید برنامه‌ها را ببینید و همه‌ی دوستان از هر طریقی که ما را می‌بینند عرض سلام و ادب و احترام مجدد دارم. عزیزانی که در اروپا و آمریکا زندگی می‌کنند با روکو می‌توانند برنامه‌ها را دریافت کنند و آنجا هم برنامه‌ها را مشاهده کنند و دنبال کنند، این‌ها را عرض کردم که برای دوستانتان اطلاع‌رسانی کنید.

اما بحثی که امشب داریم؛ در خصوص: «تاج‌گذاری» است، مسئله‌ای که بالأخره روزهای گذشته در نه‌ربیع خیلی از عزیزان بیننده و دوستان ما این روز را به عنوان آغاز امامت امام زمان جشن گرفتند. عنوانش تاج‌گذاری است که می‌خواهیم در این خصوص صحبت کنیم. برخی ادعا می‌کنند که این تاج‌گذاری‌ها و این عنوان‌هایی که گذاشتیم بدعت است. بیشتر با آقای دکتر صحبت می‌کنیم بعد ان‌شاءالله سوالاتی که در این خصوص است را مطرح می‌کنیم و یکی یکی پاسخ می‌دهند، استاد عزیز در خدمتیم.

حضرت استاد حجت الاسلام و المسلمین دکتر ابوالقاسمی:

بسم الله الرحمن الرحیم

چند روز گذشته روزی بود که عده‌ای با عنوان تاج‌گذاری امام زمان (روحي و ارواحُ العالَمينَ لِترابِ مَقْدَمِهِ الفِداء) را جشن گرفتند.

سالیان سال هم است -نه اینکه نگوییم آن طرف نام‌های دیگری ندارد، اما این اسم را من سال‌های سال بود که شنیده بودم و می‌شنوم.- یک عده دنبال این هستند که فقط همان جنبه‌ای که خودشان علاقه دارند را مطرح کنند و نهم‌ربیع -نمی‌گوییم آن جنبه، جنبه‌ی به اصطلاح غیرممکنی است و هیچ دلیلی ندارد ولی این طرف- را تخریب کنند، حتی بعضی از عزیزان خیلی تند می‌گویند که این بدعت است و هر کسی هم گفته باشد بدعت‌گذار است و آمده‌اند در بعضی از شبکه‌ها –شبکه‌های به اسم دین- رسماً اعلام می‌کنند این امر بدعت است و هر کسی هم در این‌باره سخنی بگوید بدعت‌گذار است، این‌ها حکومتی هستند و چنین و چنان.

بنده اول برای اینکه مشخص بشود که اصلاً این موضوع ربطی به بحث حکومت ندارد و الکی برچسب بدعت می‌زنند را بیان کنم. در خاطرات شهدا که در سامانه‌ی ملی شهدا ثبت است و این خاطره خیلی معروف شده است، راجع‌به یکی از شهدا به نام شهید عبدالمهدی کاظمی اینطور آمده است: همسر یکی از شهدا تعریف می‌کند: «عبدالمهدی یک بار خوابی دیده بود، بعد از آن پیش یکی از علمای اصفهان رفت و خواب را تعریف کرد. آن عالم گفته بود برای تعبیرش باید به قم بروی و با "آیت‌الله بهجت" دیدار کنی. همسرم به محضر آیت‌الله بهجت شرفیاب می‌شود تا خوابش را به ایشان بگوید، آقا هم دست روی زانوی عبدالمهدی گذاشته می‌گویند: «جوان شغل شما چیست؟» همسرم گفته بودند: «طلبه هستم». فرموده بودند: «باید به سپاه ملحق بشوی و لباس سبز مقدس سپاه را بپوشی». آیت‌الله بهجت در ادامه پرسیده بودند: «اسم شما چیست؟» گفته بود: «فرهاد»، -ابتدا اسم همسرم فرهاد بود.- فرموده بودند: «حتماً اسمت را عوض کن، اسمتان را یا عبدالصالح یا عبدالمهدی بگذارید». -ابا صالح و عبدالمهدی- آیت‌الله بهجت فرموده بودند: «شما در تاج‌گذاری امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به شهادت خواهید رسید، -نهم ربیع به شهادت خواهید رسید.-» این تعبیر را دقت کنید!، مرحوم آیت‌الله بهجت چون ایشان در روز تاج‌گذاری امام زمان به شهادت می‌رسند، گفتند اسمت را عبدالمهدی بگذار، یکی از سربازان امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هستید، هنگام ظهور هم با ایشان رجعت می‌کنید!.

این تعبیر که در روز تاج‌گذاری امام زمان به شهادت خواهید رسید را آیت‌الله بهجت گفته‌اند، شاهد اینکه گفته‌اند: اسمت را باید عبدالمهدی بگذاری، -ابولولو نباید بگذاری- تاج‌گذاری هیچ استبعادی ندارد، نمی‌دانم چرا آقایان می‌گویند بدعت است!. پس الکی

نیاییم هر چیزی که باب میل‌مان نبود به آن اسم بدعت بگذاریم. در سایت‌های مختلف خاطرات مصاحبه با همسر ایشان شده است، اولین بار در «مشرک یا مشرق» این را در سال نود و پنج خاطره‌ی این شهید بزرگوار، شهید عبدالمهدی که روز نهم ربیع به شهادت رسید را آورده است با عنوان روز تاجگذاری امام زمان و لذا هم آیت‌الله بهجت فمودند: نامت را عبدالمهدی بگذار.

حالا یک عده نمی‌پسندند، بگویند خب ما نمی‌پسندیم، این‌که تا نپسندیدی برچسب بدعت روی آن بگذاریم این واقعاً اشتباه است و مناسب نیست. پس این نکته‌ی اول که ما بی‌دلیل نیایم بگوییم این کار بدعت است و هر کسی که من قبول ندارم بدعت‌گذار است. خدمت‌تان هستم.

مجری:
خدمت از ما است، پس این مبحث اصلی‌مان. استاد حالا اینجا چند تا مسئله مطرح می‌شود. من آنها را مطرح می‌کنم از این باب که وقتی شاید حالا کسی در ذهنش این اشکال‌ها مطرح بشود.

میگویند: تاج مخصوص ظالمان است و شما می‌خواهید تاج را برای حضرت مهدی بگذارید، آیا واقعاً این درست است که بگوییم تاج مخصوص ظالمان است و برای امام‌ها بگذارید مناسب نیست؟.

حضرت استاد حجت الاسلام و المسلمین دکتر ابوالقاسمی:
این را من از بعضی از آقایان شنیده بودم که گفته بودند تاج برای ظالمان است، تاج برای سلاطین جور است. ما در ادعیه‌هایمان داریم: « اللَّهُمَ تَوِّجْنِي بِتَاجِ الْكَرَامَةِ وَ الْعِزِّ وَ الْقَبُولِ» خدایا بر سر من تاج کرامت و عز و قبول بگذار. انگشتر دست می‌کنیم: «توجنی بتاج الملک» عمامه سر می‌گذاریم: «توجنی به تاج الملک یا عفاف»، این‌ها در روایات آمده است، این یک. (نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرك الوسائل و مستنبط المسائل، ج۳ ؛ ص۲۷۷، قم، چاپ: اول، ۱۴۰۸ق).

دوم: اساساً در روایات است که ما چیزی به نام «تاج نبوت» داریم که بر سر انبیا است و در قیامت هم بر سر بعضی از مؤمنین گذاشته می‌شود: « إِنَّ الرَّجُلَ مِنْ شِيعَتِنَا لَيَأْتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَيْهِ تَاجُ نُبُوَّةٍ ». (عده ای از علماء، الأصول الستة عشر (ط - دار الحديث)، ص۲۴۹، ایران ؛ قم، چاپ: اول، ۱۴۲۳ق / ۱۳۸۱ش.)

پیغمبر (صلی الله علیه و آله وسلم) در دنیا تاجی به نام "تاج هدایت" داشتند -نه برای قیامت، که حالا بگوییم در قیامت ایشان تاج‌گذاری می‌شود و آن زمان سلطنت می‌یابد.- نه، بلکه در دنیا این تاج را داشتند: « ثم نقله من صلب آدم إلى صلب نوح علیه‌السلام ثم من صلب إلى صلب حتى أخرجه الله تعالى من صلب عبد الله بن عبد

المطلب فأكرمه بست كرامات: ألبسه قميص الرضا ، ورداه برداء الهيبة، و توجه بتاج الهداية » (الشيخ الصدوق،معاني الأخبار، ج۱، ص۳۰۸).

این تعبیری است که در روایات آمده است. نگوییم تعبیر تاج فقط چیست؟ مخصوص ظالمان است. در روایات، در کتاب خصال شیخ صدوق و معانی الاخبار روایتی است که یک حدیث طولانی هم است از امام صادق (علیه السلام) از جدشان از امیر مومنان که می‌فرمایند: « فَأَكْرَمَهُ بِسِتِّ كَرَامَاتٍ أَلْبَسَهُ قَمِيصَ الرِّضَا وَ رَدَّاهُ بِرِدَاءِ الْهَيْبَةِ وَ تَوَّجَهُ بِتَاجِ الْهِدَايَةِ». (ابن بابويه، محمد بن على، معاني الأخبار، ص۳۰۸، قم، چاپ: اول، ۱٤۰۳ ق).

همین مطلب در معانی الاخبار هم آمده است. پس نگوییم این فقط مخصوص یک عده‌ای...

مجری:

من می‌گویم خیلی‌ها با ذهن خودشان جلو می‌روند و فکر می‌کنند آنچه که در ذهنشان است درست است.

حضرت استاد حجت الاسلام و المسلمین دکتر ابوالقاسمی:

جالب اینجا است که تعبیر تاج هدایت در اشعار متقدمین شیعه برای ائمه هم آمده است. در مناقب آل ابی طالب؛ ابن شهرآشوب در جلد سه، صفحه دویست و نود و نه،

«أنشد أبو علي السروي

ثم الأئمة من أولاده زهر متوجون بتيجان الهدى حنفا

من جالس بكمال العلم مشتهر و قائم بقرار السيف قد زحفا

مطهرون كرام كلهم علم كمثل ما قيل كشافون لا كشفا-

(ابن شهر آشوب مازندرانى، محمد بن على، مناقب آل أبي طالب عليهم السلام (لابن شهرآشوب)، ج٤ ؛ ص١٦١، قم، چاپ: اول، ١٣٧٩ ق).

این «كشاف لا كشفا» یعنی این‌ها کشف کردند لا کشف را. در اشعار درباره‌ی ائمه چه گفته است؟ « متوجون بتيجان الهدى». گفتیم که پیغمبر (صلی الله علیه و آلهی و سلم) تاج هدایت یا تاج نبوت داشته است و امام تاج وقار داشته است. در «وسائل الدرجات» در مدح امام می‌گوید: «... لِأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى نَصَبَ الْإِمَامَ عَلَماً لِخَلْقِهِ وَ جَعَلَهُ حُجَّةً عَلَى أَهْلِ مَوَادِّهِ وَ عَالَمِهِ وَ أَلْبَسَهُ اللَّهُ تَاجَ الْوَقَارِ...». (كلينى، محمد بن يعقوب، الكافي (ط - الإسلامية)، ج۱ ؛ ص۲۰۳، تهران، چاپ: چهارم، ۱٤۰۷ ق. و صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات في فضائل آل محمّد صلّى الله عليهم، ج۱ ؛ ص٤۱۳، ايران ؛ قم، چاپ: دوم، ۱٤۰٤ ق).

نه این که در قیامت چنین تاجی بر سرش گذاشته خواهد شد «أَلْبَسَهُ اللَّهُ» چه کسی گفته است که تاج فقط برای سلاطین است؟ تاج مخصوص ائمه است، این سلاطین هستند که در واقع تقلا دارند که این تاج را مخصوص خودشان بکنند. مگر طلا ارزش دارد؟ در مقابل آن تاجی که خدا بر سر اینها گذاشته است؟

خب هر وقت یک لقب خوبی می‌خواستند به کسی بدهند می‌گفتند: «تتویج»، در کتاب مناقب محمد بن سلیمان ابن کوفی صفحه‌ی سیصد و هشتاد و دو «طلب نبی صلی الله علیه و آله وسلم فی مرض وفاتحه من عم العباس قضاء الدینه» پیغمبر (صلی الله علیه وآله وسلم) در مرض شهادتشون در آن بیماری که به شهادت رسیدند گفتند: عباس تو دین من را می‌دهی؟ « اعتذار العبّاس من ذلك» عباس قبول نکرد. « طلبه من عليّ » از امیر مومنان خواست «و إجابة عليّ (عليه السلام)إلى ذلك » امیر مومنان پذیرفت «ثمّ تتويج النبيّ إيّاه بتاج الأخوّة معه» حضرت، امیر مومنان را به تاج اخوت تاج‌گذاری کردند. آقای محمد بن سلیمان سال هزار و نهصد و چهارصد و خورده یک نفر می‌آید و می‌گوید که تاج‌گذاری برای سلاطین است، چرا چنین تعبیری را به کار بردی؟ اتفاقاً این مدح یک لفظی است که همه مقصود از آن را می‌فهمند، دارای یک وصف خوب شدن را تاج‌گذاری می‌دانستند. اگر یک کسی به شخصی لقب خوبی بدهد چه چیزی است؟ تاجگذاری یا تتویج است.

جالب اینجا است، امام زمان (روحي و ارواحُ العالَمينَ لِترابِ مَقْدَمِهِ الفِداء) در تشرفی که علی ابن مهزیار خدمت حضرت داشت، می‌گوید که - آن شخصی که پیش علی بن مهزیار آمد.- گفتم که علامتی داری؟

« مَا فَعَلتَ العَلامَةَ الَّتِی بَینَکَ وَ بَینَ المَاضِیَ اَبِی مُحَمدٍ نَضَرَ اللهَ وَجهَهُ» آن علامت و رمزی که بین تو و امام درگذشته –امام عسکری- بود، چه بود؟ «قُلتَ: معَی» دستم را در جیبم کردم و یک انگشتر در آوردم «عَلَیهِ «مُحَمَّدٌ وَ عَلِیٌّ» فَلَمَّا قَرَأَهُ اسْتَعْبَرَ حَتَّى بَلَّ طِمْرُهُ الَّذِي كَانَ عَلَى يَدِهِ » می‌گوید: آنقدر گریه کرد که آن چیزی که در دستش بود خیس شد « وَ قَالَ: يَرْحَمُكَ اللَّهُ أَبَا مُحَمَّدٍ» خدا رحمت کند شما را ای امام عسکری «فَإِنَّكَ زَيْنُ الْأُمَّةِ، شَرَّفَكَ اللَّهُ بِالْإِمَامَةِ، وَ تَوَّجَكَ بِتَاجِ الْعِلْمِ وَ الْمَعْرِفَةِ » از نزدیکان درجه یک امام زمان (روحي و ارواحُ العالَمينَ لِترابِ مَقْدَمِهِ الفِداء)است، راجع‌به امام عسکری چه می‌گوید؟ « تَوَّجَكَ بِتَاجِ الْعِلْمِ وَ الْمَعْرِفَةِ » خدا بر سر شما تاج علم و معرفت را نهاده بود. -ما راجع به این صحبت می‌کنیم که آیا کلمه‌ی تاج‌گذاری برای امامی به کار بردن بد است یا خوب است؟ برای ظالمین است یا نه؟- این را هم نزدیکان امام زمان برای امام عسکری به کار برده‌اند. (طبری آملی صغیر، محمد بن جریر بن رستم، دلائل الإمامة (ط - الحديثة)، ص٥٤٠، ایران ؛ قم، چاپ: اول، ١٤١٣ق).

عجیب‌تر این که در انجیل لقب رسول خدا (صی الله علیه و آله وسلم) چه بوده است؟ پیغمبر تاجدار!

مجری:

در انجیل دیگر خیلی قدیمی‌تر از این حرف‌ها. تاج مال این‌ها است که در واقع دیگران این را غصب کرده‌اند.

حضرت استاد حجت الاسلام و المسلمین دکتر ابوالقاسمی:

در «انجیل» و کتب قدیم چندین جا آمده است که:

در «امالی شیخ صدوق، صفحه سیصد و چهل و شش» آمده است: تصدیق کنید پیامبر امی را - به اعتقاد حقیر این است که امی یعنی از نسل ابراهیم (علیه السلام) از نسل اسماعیل، یعنی ابراهیمی که از بنی‌اسرائیل نیست.- «صَاحِبَ الْجَمَلِ» کسی که با پیغمبری که با شتر سرو کار دارد «وَ الْمِدْرَعَةِ» مدرعه معمولاً به عبا گفته می‌شود، «وَ التَّاج» تاج ایشان چه بوده است؟ یک عمامه و یک عبا، شبیه لباس روحانیت. -حالا جالب این است که بعضی از آقایان می‌گویند لباس رحانیت، روایت ندارد! در انجیل گفته است پیغمبر آخر الزمان عمامه و عبا دارد!. حالا یک عده نمی‌خواهند بپذیرند.- این یک عبارت. (ابن بابويه، محمد بن على، الأمالي(للصدوق)، ص٢٧١، تهران، چاپ: ششم، ١٣٧٦ش).

خدمت امیر مومنان علی (علیه السلام) آمدند و گفتند: علی جان ما پسر عموی تو، پیغمبر تاجدار را تبعیت کردیم، -در روضه شاذان صفحه صد و نود و پنج: «رَجَعْنَا مِنْ عِبَادَةِ الْأَوْثَانِ وَ اتَّبَعْنَا ابْنَ عَمِّكَ، صَاحِبَ التَّاجِ وَ الْقَضِيبِ وَ الْغَمَامِ » ما از بت‌پرستی برگشتیم و پسر عموی تو که تاجدار است، -یعنی عمامه بر سر دارد- قضیب، عصا بر دست دارد. و «الغمام»، ابر همیشه روی سر او سایه می‌اندازد، از این پیغمبر تبعیت کردیم. خب پیغمبر را پیغمبر تاجدار می‌گفتند. حالا آقایان بعد از هزار و چهارصد سال از روز تاج‌گذاری امام زمان خوششان نمی‌آید می‌گویند بدعت است. (ابن شاذان قمى، أبو الفضل شاذان بن جبرئيل، الروضة في فضائل أمير المؤمنين عليّ بن أبي طالب (عليهما السلام) (لابن شاذان القمي)، ص١٩٥، ايران ؛ قم، چاپ: اول، ١٤٢٣ ق).

در روایات جبرئیل به نبی مکرم صلی الله علیه و آل وسلم می‌گفته است یا صاحب التاج، در همان کتاب فضائل «... يَا زُهْرَةَ الْمَلَائِكَةِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَفِيعَ الْمُذْنِبِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ التَّاجِ وَ الْهِرَاوَةِ...». (ابن شاذان قمى، أبو الفضل شاذان بن جبرئيل، الفضائل (لابن شاذان القمي)، ص٣٣، قم، چاپ: دوم، ١٣٦٣ش).

جالب اینجا است که این تاج و هراوه علامتی است که الان انگلیسی‌ها، ملک انگلستان دستششان می‌گیرد، تاج را بر سرشان می‌گذارند و حراوه را هم بر دستشان می‌گیرند. این‌ها علامت پیغمبر (صلی الله علیه وآله وسلم) بوده است، این‌ها دزدیده‌اند و مشابه‌سازی کرده‌اند، نه این‌که آنها. نه، این تاج تقلبی را با طلا درست کرده‌اند، طلا است که تقلبی می‌باشد، اصل کار خود آنها هستند. و عجیب‌تر این‌که روایات مکرر داریم که عمامه «تیجان الملائکه یا تِيجَانُ الْعَرَبِ » معرفی شده است: « عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص الْعَمَائِمُ تِيجَانُ الْعَرَبِ». (کلینی، محمد بن یعقوب، الكافي (ط - الإسلامية)، ج٦ ؛ ص٤٦١، تهران، چاپ: چهارم، ١٤٠٧ ق).

و نبی مکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) روز غدیر برای امیر مومنان چه کار کرد؟ تاج‌گذاری کرد، با چه چیزی؟ با عمامه! «التتويج النَبی علیاً یوم الغدیر بالعمامه». (امینی، عبدالحسین. محقق مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیة. ، ١٤١٦ ه.ق.، الغدیر في الکتاب و السنة و الأدب، قم - ایران، مرکز الغدیر للدراسات الإسلامیة، جلد: ١، صفحه: ٥٣٧).

«تتویج بالعمامه» در چند جا آمده است که تاج‌گذاری با عمامه بوده است، عمامه را تاج می‌دانستند. این‌که ما بگوییم تاج‌گذاری امام زمان چه استبعادی و چه اشکالی دارد؟

پس بزرگواران دقت کنید که ما چه می‌خواهیم بگوییم؛ می‌گوییم: این‌که یک عده‌ای می‌آیند با این بهانه‌ها و با این عناوین که تاج برای سلاطین ظلم است و اصلاً خوب نیست که ما برای ائمه کلمه تاج را به کار ببریم، مگر ائمه سلطان بودند؟ -من سال قبل هم روایت‌های زیادی آوردم؛ خدا سلطان است، ائمه سلطان هستند و... که از این موارد ما مفصل در روایات داریم.- اما از این‌ها عجیب‌تر روایتی است در عوالي اللئالي العزيزية که می‌گوید: وقتی به معراج رفتم در آنجا یک صندوقی بود، گفتم جبرئیل این صندوق چیست؟ -خیلی حالا مثلاً با مقدمات به این صندوق رسیده‌اند- «يَا حَبِيبَ اللَّهِ فِيهِ سِرٌّ لَا يُعْطِيهِ إِلَّا لِمَنْ يُحِبُّ » این سری است که فقط به محبوب خدا داده می‌شود «فَقُلْتُ افْتَحْ لِي بَابَهُ» که بیا بازش کن. گفت: من مامورم، شما خودتان از خدا بخواهید که برایتان باز کند. از خدا خواستم «فَإِذَا النِّدَاءُ مِنْ قِبَلِ اللَّهِ يَا جَبْرَئِيلُ افْتَحْ لَهُ بَابَهُ » جبرئیل بازش کن، باز کرد «فَرَأَيْتُ فِيهِ الْفَقْرَ وَ الْمِرْقَعَةَ » فقر و مرقعه، از یک طرف فقر، یک چیزی است، حالا چه چیزی است ما نمی‌دانیم، ذوالفقار مقصودش است یا فقر چیز دیگری است؟ «والمرقعه»، یک لباسی که رقعه رقعه شده بود، یعنی چه؟ یعنی روی آن وصله زده بودند «فَقُلْتُ يَا سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ مَا هَذَا الْمِرْقَعُ وَ الْفَقْرُ » این دو تا چه چیزی است؟

«فَنُودِيتُ يَا مُحَمَّدُ هَذَانِ اخْتَرْتُهُمَا لَكَ وَ لِأُمَّتِكَ مِنَ الْوَقْتِ الَّذِي خَلَقْتُهُمَا وَ لَا أُعْطِيهِمَا إِلَّا لِمَنْ أُحِبُّ » از وقتی که امت تو را آفریدم این‌ها را خلق کردم و فقط به محبوب خودم می‌دهم و نزد من چیزی گران قیمت‌تر از این دو نیست، حضرت فرمودند: «قَدِ اخْتَارَ اللَّهُ لِيَ الْفَقْرَ وَ الْمِرْقَعَ وَ إِنَّهُمَا أَعَزُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ» پیغمر (صلی الله علیه وآله وسلم) این‌ها را چه‌کار کردند؟ برداشتند و گفتند: خدا این‌ها را برای من انتخاب کرده است «فَلَبِسَهَا النَّبِيُّ (ص) وَ تَوَجَّهَ اللَّهُ بِهَا» ظاهراً مرقعه یک پارچه‌ای بوده است و پیغمبر (صلی الله علیه وآله الله وسلم) آن را پوشید و خدای متعال از آن پارچه یک تاجی بر سر پیغمبر-(صلی الله علیه وآله الله) گذاشت. «فَلَمَّا رَجَعَ مِنَ الْمِعْرَاجِ أَلْبَسَهَا عَلِيّاً علیه السلام» وقتی که پیغمبر از معراج برگشتند این تاج را بر سر چه کسی گذاشتند؟ همان تاج را بر سر امیر المومنین گذاشتند. یک پارچه‌ی کهنه‌ای رقعه رقعه شده است «فَكَانَ يَلْبَسُهَا وَ يَرْقَعُهَا بِيَدِهِ رُقْعَةً رُقْعَةً» هر کجای آن هم که پاره می‌شد امیر المومنین چه‌کار می‌کرد؟ آن را وصله می‌زد «حَتَّى قَالَ وَ اللَّهِ رَقَعْتُ مِدْرَعَتِي هَذِهِ حَتَّى اسْتَحْيَيْتُ مِنْ رَاقِعِهَا» قسم به خدا اینقدر دادم به این وصله زدند که دیگر خجالت می‌کشم «وَ أَلْبَسَهَا بَعْدَهُ لِابْنِهِ الْحَسَنِ ثُمَّ الْحُسَيْنِ (ع) ثُمَّ لَبِسَهَا أَوْلَادُ الْحُسَيْنِ (ع) فَلَبِسَهَا وَاحِدٌ بَعْدَ وَاحِدٍ حَتَّى اتَّصَلَتْ بِالْمَهْدِيِّ (ع) فَهِيَ مَعَهُ مَعَ سَائِرِ مَوَارِيثِ الْأَنْبِيَاءِ» پس یک عمامه‌ی قدیمی وصله خورده‌ی کهنه‌ای از خدای متعال سر پیامبر (صلی الله علیه وآله الله وسلم) گذاشته شده است، ایشان هم سر امیر مومنان گذاشتند و تا امام زمان رسیده است، یعنی تتویج رسمی بوده است! روایت هم دارد -شما اگر به دنبال روایت هستید، این هم روایت تتویج امام زمان (روحي و ارواحُ العالَمينَ لِترابِ مَقْدَمِهِ الفِداء). (ابن أبي جمهور، محمد بن زين الدين، عوالي اللئالي العزيزية في الأحاديث الدينية، ج٤ ؛ ص١٣٠، قم، چاپ: اول، ١٤٠٥ ق).

اما یک نکته‌ی دیگر هم عرض کنم، این‌ها همه جدای از این که می‌گوید: در قیامت مؤمن تاج دارد، مؤمن چنین است و مؤمن چنان است، انبیاء تاج خواهند داشت، پیغمبر (صلی الله علیه وآله الله وسلم) تاج خواهند داشت، امیر المومنین تاج خواهند داشت و... این‌ها همه در قیامت هستند. پس اگر گیر بدهند و بگویند: نه همه‌ی این‌ها در قیامت است، می‌گوییم همه‌ی این‌روایت‌هایی که خواندیم برا دنیا بود، اساس تاج‌گذاری در دنیا برای ائمه است، دیگران هستند که این تاج‌گذاری را دزدیده‌اند، فکر کرده‌اند آنچه که بر سرشان گذاشته‌اند مثلاً عظمتی برایشان می‌آورد، طلا بگذار، تو ارزش پیدا نمی‌کنی!.

مجری:

یعنی آن تاج کهنه‌ی وصله پینه، خیلی میلیاردها و میلیاردها برابر آن تاج ارزش دارد.

حضرت استاد حجت الاسلام و المسلمین دکتر ابوالقاسمی:

یک روزی هارون الرشید بهلول را دید و به او گفت من چند می‌ارزم؟ بهلول گفت: هزار دینار، هارون گفت: لباس‌های در تن من فقط هزار دینار می‌ارزد. بهلول گفت: من هم فقط لباسهای تنت را حساب کردم، والا تو خودت که ارزشی نداری!. این‌ها فکر کرده‌اند مثلاً یک طلایی سرشان بگذارند ارزشند می‌شوند، نه. تازه این‌هایی که سر ائمه بوده است به اعتبار ائمه (علیه السلام) ارزش پیدا است.

پس؛ جواب سوال اول، آیا هر کسی کلمه‌ی تاج‌گذاری را به کار ببرد بدعت است؟ عرض کردیم که بیان آیت الله بهجت (رضوان‌الله) چه چیزی است.گفتیم که به کار برده‌اند، الکی برچسب نزنیم. دوم: آیا کلمه تاج در دنیا مخصوص ظالمان است؟ این همه در مورد ائمه (علیهم السلام) روایات داریم که اولیای الهی تاج داشتند که عمامه تاج به حساب می‌آمد. این‌ها هم راجع به این سوال. خدمتتان هستیم.

مجری:

خیلی متشکرم، ما باز سؤالات دیگری هم داریم، اگه اجازه بدهید یک میان برنامه ببینیم، حال و هوایی عوض کنیم و برگردیم، ان‌شاءالله با بقیه‌ی مباحث در خدمت شما باشیم. عزیزان بیننده در خدمت شما هستیم، تلفن‌هایی که زیرنویس شده است‌اند جهت ارتباط شما با ما است، می‌توانید تماس بگیرید و در همین ساعات و دقایقی که در خدمت شما هستیم به صورت زنده سوالاتتان را مطرح کنید، فاصله‌ای می‌گیریم برمی‌گردیم.

مجری:

صلی الله علیک یا مولای یا صاحب العصر و الزمان.

خلاصه در ایام شادی اهل بیت هستیم الحمدالله و مناسبت بزرگی را پشت سر گذاشتیم آغاز امامت امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و واقعاً جای تبریک دارد برای ما و شما که ما این توفیق را داریم که در عصر امامت آقا امام عصر زندگی می‌کنیم. موضوع برنامه ما امروز هم در همین خصوص است و از محضر دکتر ابوالقاسمی بهره‌مند شدیم در موضوع برنامه.

خب جناب استاد شما اشاره داشتید که افرادی که می‌گویند که این قضیه بدعت است، مشخص شد که اول همه‌ی علما و بزرگان ما این موضوع را تایید کردنده‌اند، و هم در احادیث ما این بحث تاج و تاج‌گذاری مطرح شده است بود.

حالا شاید این آقایانی که بعضی وقت‌ها این مسئله را داشتند این شبهه در ذهنشان مانده است که شهادت هر امامی آغاز امامت امام بعدی است، آیا مثلاً ما می‌توانیم این کار را در هر شهادتی بکنیم و به امام بعدی تبریک بگوییم که بالأخره آغاز امامت ایشان است، شاید جنبه‌اش را در ذهنشان نیست که امامت امام عصر با آن‌ها فرق می‌کند؟ در خدمت شما هستیم.

حضرت استاد حجت الاسلام و المسلمین دکتر ابوالقاسمی:

بسم الله الرحمن الرحیم

آیا ما می‌توانیم در شهادت هر امامی شادی کنیم چون شروع امامت امام بعدی است؟ جواب: مگر از جهت ظاهری بقیه‌ی ائمه زنده هستند که ما به خدمتشان برویم و به آنها تبریک بگوییم؟نه نیستند. آقا از جهت باطنی زنده هستند، اگر از جهت باطنی زنده هستند پس شهادت هم نگیریم؟! نه دیگر؛ همه‌ی آنها شهید شده‌اند و به شهادت رسیده‌اند، لذا آن امامی که به شهادت رسیده است برای او ما داغدار هستیم و آن امامی که الان وجود دارد و می‌توانیم خدمت ایشان صحبتی به عنوان امام حی داشته باشیم، نه به عنوان شهید که زنده است، به عنوان امام حی‌مان، آن امامی که الان مسئول ما است و بالفعل زنده است، پس یک فرق جدی بین این امام و سایر ائمه است. آیا مشابه‌ای هم دارد؟ خیلی خیلی روشن، ائمه (علیه السلام) فقط «نحن الایام»(ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل أبي طالب علیهم السلام(لابن شهر آشوب)،ج۱؛ص۳۰۸،قم،چاپ:اول،۱۳۷۹ق) دقیقاً.

ما شب آخر ماه مبارک رمضان چه کار می‌کنیم؟ اگر یک مقداری اهل دعا باشید مناجات وداع ماه مبارک رمضان که امام سجاد (علیه السلام)-زین العابدین- فرموده‌اند، اصلاً روضه‌ی ماه رمضان را می‌خواند!، روضه‌ی وداع ماه رمضان را می‌خواند. صبح که می‌شود چه کار می‌کنیم؟ عید فطر است و عید را جشن می‌گیریم!. شما الان ماه رمضان رفته است و باید ناراحت باشید!، تا دیشب بله، داشتیم گریه می‌کردیم اما الان عید فطر شروع شده است، چه کار می‌کنیم؟ جشن می‌گیریم!. برای، از دست دادن ماه مبارک رمضان به شدت ناراحت هستیم. اما «تاسعهم افضلهم» (ابن أبي زینب، محمد بن ابراهي،الغیبة النعماني،ص٦٧،تهران،چاپ:اول،١٣٩٧ق)بعد از امام عسکری، نعمتی به ما داده شده است که چیست؟ افضلهم.

یک سوال، آیا اصلاً معنی دارد که تبریک بگوییم؟ خود ائمه (علیهم السلام) در مورد تبریک گفتن امامت به امام بعدی پیشگام بودند، البته در چه زمانی؟ یک سری ودایعی

بوده است که این ودایع به ذریه منتقل می‌شده است، روزی که ودایع به ذریه منتقل می‌شد به او تبریک گفته می‌شد. در رجال کشی: «قال لی منصور بن یونس بزرج » منصور بزرگ، اگر این بزرگ فارسی باشد. «قال لی ابوالحسن (علیه السلام)و دخلت علیه یومی یا منصور اما علمت ما احبت فی یومی هذا» خبرداری امروز چه کار کردم؟ « قلت: لا، قال: قد صیرت علیاً اِبني وصيي و الخلف من » امام کاظم فرمودند: امروز پسرم، امام رضا (علیه السلام) را وصی و خلف بعد از خودم قرار دادم، خدا او را وصی قرار داده است، چه اتفاقی رخ داده است؟ امروز ودایع به او منتقل شده است «قد صیرت ابنی وصیی» کار وصی چه بود؟ وظیفه‌ی وصی انبیا نگهداری آثار نبوت بود، امروز «قد صیرت علیا ابنی وصیی» یعنی چه؟ امروز ودایع به او منتقل شده است «فادخل علیه فهنئه بذلك» به نزد او برو و به او تبریک بگو « و أعلمته أن أباه أمرني بذلك» و به او خبر بده که من به تو دستور داده‌ام... ودایع از یک امام گرفته شده است و به امام بعدی داده شده است! پس ما باید ناراحت باشیم که از آن امام قبلی گرفته شده است، چون یک بخش امامت ودایع است و یکی از وظایف امام حفظ ودایع است، آن امام قبلی دیگر ندارد باید نارحت بشویم؟ (کشی، محمد بن عمر، رجال الكشي - اختيار معرفة الرجال (مع تعليقات مير داماد الأسترآبادي)، ج۲ ؛ ص۷٦۸، قم، چاپ: اول، ۱۳٦۳ ش و ابن بابویه، محمد بن علی، عيون أخبار الرضا علیه السلام، ج۱ ؛ ص۲۲، تهران، چاپ: اول، ۱۳۷۸ق).

غدیر خم چه اتفاقی رخ داد؟ شب قبل غدیر خم یا دو شب قبل از آن پیغمبر (صلی الله علیه وآله الله وسلم) ودایع را به چه کسی دادند؟ به امیر المومنین (علیه السلام)، غدیر را ما جشن گرفتیم، آیا باید ناراحت باشیم؟ از پیغمبر گرفته شده است! نه خوشحالیم که در دست نفر بعدی و یک امین قرار گرفته است « قَدْ نَحَلْتُهُ كُنْيَتِي وَ الْخَلَفَ مِنْ بَعْدِي فَادْخُلْ عَلَيْهِ وَ هَنِّئْهُ بِذَلِكَ وَ اعْلَمْ أَنِّي أَمَرْتُكَ بِهَذَا قَالَ فَدَخَلْتُ عَلَيْهِ فَهَنَّيْتُهُ بِذَلِكَ وَ أَعْلَمْتُهُ أَنَّ [أَبَاهُ] أَمَرَنِي بِذَلِكَ»

این یک. این چه ربطی به امام زمان (روحي و ارواحُ العالَمينَ لِترابِ مَقْدَمِهِ الفِداء)دارد؟ ودایع کی به امام زمان منتقل شد؟ روز شهادت پدرشان! در غیبت نعمانی باز صفحه دویست و هفتاد و سه روایتی آورده است، آن روایت مشهور که می‌گوید: در روز شهادت امام عسکری، ابوسهل خادم می‌گوید: «قَالَ إِسْمَاعِيلُ بْنُ عَلِيٍّ دَخَلْتُ عَلَى أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ (ع) فِي الْمَرْضَةِ الَّتِي مَاتَ فِيهَا وَ أَنَا عِنْدَهُ إِذْ قَالَ لِخَادِمِهِ عَقِيدٍ وَ كَانَ الْخَادِمُ أَسْوَدَ نُوبِيّاً قَدْ خَدَمَ مِنْ قَبْلِهِ عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ وَ هُوَ رَبَّى الْحَسَنَ (علیه السلام)» خادم امام هادی بود «وَ هُوَ رَبَّى الْحَسَنَ (علیه السلام) » هم دوره‌ی امام حسن عسکری (علیه السلام) بود، با امام حسن عسکری (علیه السلام) بزرگ شده بود. « فَقَالَ لَهُ يَا عَقِيدُ أَغْلِ لِي مَاءً بِمُصْطَكَى فَأَغْلَى لَهُ ثُمَّ جَاءَتْ بِهِ صَقِيلُ الْجَارِيَةُ أُمُّ

الْخَلَفِ (علیه السلام)» مادر حضرت این را گرفتند « فَلَمَّا صَارَ الْقَدَحُ فِي يَدَيْهِ وَ هَمَّ بِشُرْبِهِ فَجَعَلَتْ يَدُهُ تَرْتَعِدُ» دست حضرت وقتی می‌خواستند بنوشند می‌لرزید. حضرت به عقید فرمودند که: «لِعَقِيدٍ ادْخُلِ الْبَيْتَ فَإِنَّكَ تَرَى صَبِيّاً سَاجِداً فَأْتِنِي بِهِ » وارد اتاق شو، یک کودک در حال سجده می‌بینی او را بیاور. ابوسهل می‌گوید عقید گفت: «فَدَخَلْتُ أَتَحَرَّى » وارد شدم «فَإِذَا أَنَا بِصَبِيٍّ سَاجِدٍ رَافِعٍ سَبَّابَتَهُ نَحْوَ السَّمَاءِ فَسَلَّمْتُ عَلَيْهِ فَأَوْجَزَ فِي صَلَاتِهِ » دیدم یک کودکی دارد نماز می‌خواند، که بعد آن کودک را آوردم خدمت حضرت... روایت طولانی است. فرمودند: «يَا سَيِّدَ أَهْلِ بَيْتِهِ اسْقِنِي الْمَاءَ فَإِنِّي ذَاهِبٌ إِلَى رَبِّي» من از دنیا دارم می‌روم به من یک لیوان آب بنوشان. بعد اینجا: «ابشر یا بنیّ» بر تو بشارت بادا!. امام عسکری که از دنیا دارند می‌روند، به پسرشان چه می‌گویند؟ بشارت بر تو باد «أَنْتَ صَاحِبُ الزَّمَانِ أَنْتَ وَلَدِي وَ وَصِيِّي» این کلمه‌ی وصایت خیلی مهم است، وسائل در آن روز ظاهراً به امام زمان (روحي و ارواحُ العالَمينَ لِترابِ مَقْدَمِهِ الفِداء) منتقل شده است است. (طوسی، محمد بن الحسن، الغيبة (للطوسي)/ كتاب الغيبة للحجة، ص۲۷۱، ایران ؛ قم، چاپ: اول، ۱٤۱۱ق).

در روایت دیگری هم داریم که خود امام عسکری به امام زمان چه گفتند؟ «ابشر» بر تو بشارت باد، به تو تبریک می‌گویم.

اما روایت دیگری است که شاید این را نپسندند و ما هم خیلی روی این تأکید نمی‌کنیم، ولی یک جنبه‌ای دارد که در دو-سه جا در روایات، سیره‌ی شیعیان آمده است. اما این سیره‌ی شیعیان به صورتی بوده است که جای غلط رفته‌اند، یعنی چه که جای غلط رفته‌اند؟ یعنی فکر می‌کردند شخصی امام است که پیش او رفته‌اند، این‌ها استمرار همان شیعیان گذشته‌اند اما مسیر را الان کجا رفته‌اند؟

مجری:

اشتباهی رفته‌اند. پیش یک کس دیگری.

حضرت استاد حجت الاسلام و المسلمین دکتر ابوالقاسمی:

در کمال‌الدین ،شیخ صدوق در صفحه چهارصد و هفتاد و پنج ،ماجرای آن نامه رسانی که نامه‌های امام عسکری را گرفت و پیش حضرت آورد ولی برگرداند و روز شهادت حضرت رسید. ابو الادیان می‌گوید: من خادم امام عسکری بودم، نامه‌هایشان را این طرف و آن طرف می‌بردم، در بیماری‌ای که حضرت از دنیا رفتند، خدمت حضرت بودم « فکتب کتبا» نامه‌هایی نوشتند و فرمودند به مدائن برو، پانزده روز نخواهی بود، وقتی که در روز پانزدهم برمی‌گردی «تسمع الواعیت فی داری» از خانه‌ی من صدای ناله خواهی شنید. می‌بینی که من را دارند غسل می‌دهند.

گفتم: آقا من بعد از شما سراغ چه کسی بروم؟ فرمودند: «من طالبک بجوابات کتبی فهو القائم من بعدی» اگر هر کسی از تو درخواست کرد جواب نامه‌ها را، او امام بعد از من است!. گفتم آقا بیشتر علامت بدهید، فرمودند: هر کسی بر من نماز بگذارد. گفتم بیشتر، فرمودند: هر کسی از آنچه داخل همیانه –کیسه- است خبر بدهد. دیگر بیشتر از این من از حضرت نپرسیدم و به مداین رفتم نامه‌ها را گرفتم، روز پانزدهم همانطور که حضرت فرموده بودند وارد سُرَّ من رأی شدم، دیدم از خانه‌ی حضرت صدای شیون بلند است! حضرت را دارند غسل می‌دهند «واذا انا بجعفر بن علی اخیه بباب الدار و شیعت من حوله یُحَزونَه و یُحَنونَ». -اینجا جایی بود که گفتم شاید شما نپسندید. اما سیره‌ی شیعه این است، هیچ کس هم نمی‌گوید چرا کار بدی می‌کنید؟ مثلاً الان وقتی یک نفر شهید می‌شود چه کار می‌کنند؟ به خانواده‌اش چه می‌گویند؟ تبریک و تسلیت. شهید شده است اما تبریک و تسلیت می‌گویند. این‌که تبریک و تسلیت می‌گویند نه اینکه جشن بگیرند و شادی کنند، تبریک و تسلیت در خانه‌ی شهید یعنی به این خانه برکت آمده است، حرمت را نگه می‌دارند ولی تبریک هم می‌گویند. گفتم شاید این را نپسندند اما در روایات این آمده است.- بعد می‌گوید: من جا خوردم گفتم آخر این آدم امام بشود؟ من رفتم بعد -خوب دقت کنید، خودش نماینده‌ی امام است.- « فَتَقَدَّمْتُ فَعَزَّيْتُ وَ هَنَّيْت» ابو الادیان یک عمری چه کار کرده است؟ خدمت امام عسکری بوده است، می‌گوید: من هم همان کار را انجام دادم، تعزیت گفتم، تبریک هم گفتم. – ابو لادیان را که نمی‌گوییم شیعه نبوده است و اشتباه کرده است. «فَلَمْ يَسْأَلْنِي عَنْ شَيْءٍ» از من چیزی سوال نپرسید « فَقَالَ يَا سَيِّدِي قَدْ كُفِّنَ أَخُوكَ فَقُمْ وَ صَلِّ عَلَيْه» عقیل آمد و گفت برادرت کفن شد بیا نماز بخوان جعفر بن علی وارد شد، شیعیان هم آمدند. سمّان، حسن ابن علی -که معتصم او را کشت.-، این‌ها هم بودند، -این‌ها بزرگان شیعه در آن دوران بودند، که بعداً برگشتند!-.

به خانه که رسیدیم پیکر امام عسکری کفن شده بود، جعفر خواست نماز بخواند « فَلَمَّا هَمَّ بِالتَّكْبِيرِ خَرَجَ صَبِيٌّ بِوَجْهِهِ سُمْرَةٌ بِشَعْرِهِ قَطَطٌ بِأَسْنَانِهِ تَفْلِيج» کودکی که چهره‌ی گندم گونی، موهای پرپشت و دندان‌هایی خیلی مرتب « فَجَبَذَ بِرِدَاءِ جَعْفَرِ بْنِ عَلِيٍّ وَ قَالَ تَأَخَّرْ يَا عَم » لباس جعفر را گرفت و کشید عقب بایست. « فَأَنَا أَحَقُّ بِالصَّلَاةِ عَلَى أَبِي» جعفر عقب ایستاد. رنگش پرید! «فَتَقَدَّمَ الصَّبِيُّ وَ صَلَّى عَلَيْهِ وَ دُفِنَ إِلَى جَانِبِ قَبْرِ أَبِيهِ علیه السلام» برای امام عسکری (علیه السلام) امام زمان نماز خواندند و کنار قبر امام هادی (علیه السلام) دفن کردند. « ثُمَّ قَالَ يَا بَصْرِيُّ هَاتِ جَوَابَاتِ الْكُتُبِ الَّتِي مَعَك» جواب‌ها را بیاور خدمت حضرت بدهم. « ثُمَّ قَالَ يَا بَصْرِيُّ هَاتِ جَوَابَاتِ الْكُتُبِ الَّتِي مَعَك» این‌ها هم دو تا بینه!.

« بَقِيَ الْهِمْيَان» سومی مانده است، رفتم که جعفر «وَ هُوَ يَزْفِر» داشت فریاد می‌کشید و ناراحت بود « فَقَالَ لَهُ حَاجِزٌ الْوَشَّاءُ يَا سَيِّدِي مَنِ الصَّبِيُّ لِنُقِيمَ الْحُجَّةَ عَلَيْه» این بچه‌ی چه کسی بود؟ گفت: تا حالا ندیدم، نمی‌دانم « فَنَحْنُ جُلُوسٌ إِذْ قَدِمَ نَفَرٌ مِنْ قُمَّ فَسَأَلُوا عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ (علیه السلام)» یک عده از قم آمده اند، -شیعه‌های قم.- راجع‌به امام عسکری پرسیدند « فَعَرَفُوا مَوْتَه» خبر داشتند که به شهادت رسیده است. « فَقَالُوا فَمَنْ نُعَزِّي» به چه کسی تسلیت بگوییم؟ مردم به چه کسی اشاره کردند؟ جعفر! دوباره، قومی‌ها چه کار کردند؟ «فَسَلَّمُوا عَلَيْهِ وَ عَزَّوْهُ وَ هَنَّوْهُ» یعنی فقط طرفدار جعفر نبودند، یک عده شیعه از قم خدمت رسیدند. -این در ذهن شیعیان جا افتاده است، چه خادم امام عسکری، چه شیعیانی که از قم آمده‌اند، چه شیعیانی که آنجا بودند، امام که از دنیا می‌رود تسلیت و تبریک می‌گویند. اینکه شما در روایت‌ها ندیده‌اید ما باید چه کار کنیم؟ ما باید تاوان ندیدن شما را بدهیم؟.- «وَ قَالُوا إِنَّ مَعَنَا كُتُباً وَ مَالا» به جعفر گفتند: ما نامه‌ها و مالی داریم « فَتَقُولُ مِمَّنِ الْكُتُبُ وَ كَمِ الْمَال» از طرف چه کسی است و چه مقدار است؟ جعفر لباس‌هایش را تکاند و گفت: می‌خواهید ما علم غیب بدانیم؟ «فخرج الخادم» خادم بیرون آمد و گفت:« فَقَالَ مَعَكُمْ كُتُبُ فُلَانٍ وَ فُلَانٍ وَ فُلَانٍ وَ هِمْيَانٌ فِيهِ أَلْفُ دِينَارٍ وَ عَشَرَةُ دَنَانِيرَ مِنْهَا مَطْلِيَّة» نامه از طرف فلانی فلانی است و یک کیسه است که در آن هزار سکه ست و ده تا سکه که این ده تا سکه روکش‌دار است. همه را خدمت حضرت دادند «وَ قَالُوا الَّذِي وَجَّهَ بِكَ لِأَخْذِ ذَلِكَ[1] هُوَ الْإِمَام» کسی که فرستاده است تا این را بگیرد امام است.

« فَدَخَلَ جَعْفَرُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَى الْمُعْتَمِدِ وَ كَشَفَ لَهُ ذَلِكَ فَوَجَّهَ الْمُعْتَمِدُ بِخَدَمِه» جعفر پیش معتمد رفت و گفت یک بچه‌ای است که به این صورت است، دنبال این کودک آمدند و خلاصه اتفاقاتی افتاد که مشغول او شدند و لذا جان امام زمان حفظ شد. (ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمة،ج۲؛ص٤٧٦، تهران، چاپ:دوم،۱۳۹۵ق.)

در این روایت سیره ثابت شیعه، چه آن‌هایی که فکر می‌کردند جعفر امام است، چه آنهایی که از قم آمده بودن و اصلاً جعفر را نمی‌شناختند اما می‌دانستند که امام باید از غیب خبر بدهد پس امام‌های قبلی را دیده‌اند. سیره‌ی خادم امام عسکری این است که امام به شهادت رسیده است و تبریک و تسلیت باید بگوید، این وجود دارد، حالا برای شما سنگین باشد!.

مجری:

[1] . في بعض النسخ« لاجل ذلك».

این یک واقعیتی است، که چقدر این دین ما، کتب ما و زحمتی که علما کشیده‌اند، یعنی واقعاً یک ثروتی در اختیار ما است. برای من خیلی جالب بود، هر چیزی را که می‌گوییم باز در یک روایت آمده است و اساساً خیلی روشن بیان شده است. خیلی عجیب!.

حضرت استاد حجت الاسلام و المسلمین دکتر ابوالقاسمی:

یک نکته‌ی دیگری را بگویم. طبق روایاتی که ما آوردیم؛ خادم و نماینده‌ی امام عسکری تبریک و تحنیت گفته است. حالا طرف مقابل؛ روایات اهل سنت چه می‌گوید؟ روایات اهل سنت می‌گوید: وقتی که امام به شهادت رسید به امام بعدی تبریک نگویید! یعنی چه؟ در سنن الدار قطنی می‌گوید: امام حسن مجتبی (علیه السلام)یک همسری داشت، امیر مومنان که به شهادت رسید، خدمت امام حسن آمد و گفت که به شما تبریک می‌گویم، حضرت گفتند که: من طلاقت می‌دهم آن هم سه طلاقه! تو را سه طلاقه کردم، چرا؟ پدرم به شهادت برسد و تو به من تبریک بگویی؟! امام که سه طلاقه ندارد، پس این روایت قطعاً دروغ است. -حالا زن یک بی‌عقلی کرده است، پیغمبر (صلی الله علیه وآله الله وسلم) این همه از افراد و حرف‌ها را تحمل کرده است، امام حسن مجتبی (علیه السلام) تحمل نمی‌کنند؟ خب به او یاد بده که نباید این کار را بکند!.

روایات شیعه می‌گوید: نزدیکان امام تبریک و تهنیت می‌گفتند، روایات اهل‌سنت -که آقایان هم خیلی ادعا دارند ما مخالف سنی‌ها هستیم.- اگر این روایت از سنی‌ها رسیده است باید چه کار کنیم؟ در آنجا می‌گوید که نباید به امام بعدی تبریک گفت. ما الان باید چه کار کنیم؟ یعنی اگر بخواهیم عمل کنیم چه‌کار باید کنیم؟ خودتان بگویید دیگر.

پس ما از جهت روایی که وارد بشویم این مسئله روشن است، می‌شود به امام بعدی همانطور که می‌گویند به خانواده‌ی شهدا تبریک و تسلیت می‌گویند به امام بعدی هم تبریک و تسلیت گفت، مخصوصاً به امام حی و امام زنده باید تبریک گفت. رسیدن او به این مقام نه به عنوان شهادت پدرش، به عنوان این که او حامل ودایع و اسرار نبوت و مقام امامت شده است. اگر از کلمه‌ی تاج خوشتان نمی‌آید می‌گوییم حامل. اتفاقا گفتیم که تاج هم اشکالی ندارد.

مجری:

استاد حالا خارج از این بحث ما وقتی بخواهیم به آن قضیه فکر کنیم، خب هر کسی بالأخره یک روزی از دنیا می‌رود، منتها این مقام جانشینی پیامبر اکرم یا خلیفه اللهی که

است این باقی می‌ماند، ما خوشحالیم برای اینکه همچنان از طرف خداوند متعال سرپرستی داریم و او اولیای خدا است و ما به او تبریک می‌گوییم، در مقابل آن طرف شاید از این ناراحت هستند که بالأخره یک ولی خدا همچنان است همان گونه که در شهادت پیامبر هم که چنین اتفاقی افتاده است، کسانی که منافق بودند از رحلت پیامبر خوشحال بودند و از این خوشحال بودند که تمام شد و دنبال این بودند که بعد از آن دیگر اتفاقی نیفتد که بله تمام شد و همه چیز به دست مردم افتاد و از این صحبت‌ها.

خیلی متشکرم، باز یک سوال دیگری هم داریم که اگر اجازه بدهید یک میان برنامه ببینیم و برگردیم با سوال دیگری در خدمت شما و عزیزان بیننده باشیم. منتظر ما باشید بعد از یک فاصله‌ای که می‌گیریم.

مجری:

صلی الله علیک یا مولای یا صاحب العصر والزمان. در خدمت شما عزیزان بیننده هستیم همچنان با برنامه راه روشن در دقایق پایانی این برنامه هستیم، انشاءالله که ساعت خوبی را پشت سر گذاشته باشید و این برنامه را تا اینجا دنبال کرده باشید و مورد استفاده قرار گرفته باشد.

در خدمت آقای دکتر ابوالقاسمی هستیم و در خصوص مراسم تاج‌گذاری و تتویج آقا امام عصر گفت وگو می‌کردیم که آیا در نهم ربیع ما این جشن را می‌گیریم، برخی ادعا کرده‌اند که یه چیز بدعتی است و... که پاسخ سؤالات و اشکالات آن‌ها را دادیم.

استاد حالا یک مسئله‌ای اینجا مطرح می‌شود، - در یک ربع پایانی برنامه هستیم و ممکن است سوالات دیگری هم مطرح بشود.- اینکه حالا نه‌ربیع و آن جشنی که ما می‌گیریم مناسبت تتویج و تاج‌گذاری و آغاز امامت امام عصر است یا فرحة الزهرا است که بالاخره آن هم... .

حضرت استاد حجت الاسلام و المسلمین دکتر ابوالقاسمی:

بسم الله الرحمن الرحیم

دقت بفرمایید دو تا مطلب داریم؛ یکی می‌گوییم که از جهت زمانی قطعاً و بلاشک شهادت امام عسکری هشتم ربیع است لذا اگر بنا باشد ما تبریک و تهنیت داشته باشیم شروع فعلیت پیدا کردن مسئولیت امام زمان چه زمانی است؟ نه ربیع می‌شود. این از جهت زمانی قطعی است. اما مناسبت دوم که فرحه الزهرا است در آن اختلاف وجود دارد، مشهور چه زمانی است؟ نهم ربیع است، هیچ روایت صحیح السندی نه

برای آخر ذی‌الحجه‌اش وجود دارد و نه برای ربیع‌اش!، مشهور نزد علما ایام ربیع است. پس از جهت زمانی، تاجگذاری امام زمان در آن زمان یک تاریخ قطعی است، تبریک و تسلیت هم می‌شود گفت؟ بله. تتویج هم می‌شود به کار برد؟ بله. هیچ ربطی به بدعت ندارد. اگر بنا باشد تشکیکی باشد، در کدام طرف تشکیک است؟ کدام جهت از نظر زمانی؟ ما نمی‌خواهیم آن‌طرف را تشکیک کنیم چون مشهور نزد شیعیان است و علمای شیعه هم از جهت زمانی، این زمان را تأیید کرده‌اند.

نکته‌ی دیگری را هم من عرض کنم که حالا بعضی‌ها می‌گویند نه این زمان نیست، آخر ذی الحجه است. از جهت تاریخ آنهایی که خوب کار کرده‌اند می‌دانند که ادعای قرارگیری این مسئله در آخر ذی الحجه براساس جمع و تفریق است، یعنی چه؟ مثلاً حساب کرده‌اند که پیغمبر (صلی الله علیه وآله وسلم) چه زمانی از دنیا رفته‌اند؟ طبق نظر آنها ربیع‌الاول، دوشنبه یک چیزی گفته‌اند، خلیفه‌ی اول چند سال و چند ماه و چند روز خلافت کرد؟ حساب کرده‌اند، خلیفه‌ی دوم چقدر؟ حساب کرده‌اند، بعد براساس این طبق نظر ربیع الاول و مشهور در روز و ماه و سال خلافت ابوبکر و مشهور در روز ماه و سال خلافت خلیفه‌ی دوم آن زمان را حساب کرده‌اند، پس ذی‌الحجه روایت ندارد!.

چون شهادت پیغمبر (صلی الله علیه وآله وسلم) مشهور بیست و هشت صفر است و یا نهایتاً روز اول یا دوم ربیع است، -خدا رحمت کند مرحوم علامه جعفر مرتضی (رضوان الله علیه) را، ایشان حساب و کتاب کرده‌اند و همچنین نظرات مختلفی که در مورد زمان خلافت خلفا است، این‌ها را حساب کرده‌اند و می‌گویند طبق قاعده این قضیه باید در ماه ربیع باشد. جالب اینجا است که یکی از آقایانی که خیلی ضد این قضایا است و در این زمینه هم کار می‌کرد وقتی که این تحقیق مرحوم علامه جعفر مرتضی را آوردیم، می‌گوید تحقیق‌شان قطعی نیست! اگر شما می‌گویی تحقیق‌شان قطعی نیست و یک احتمال است، خب همین احتمال با شهرت چه می‌شود؟ برای شادی در شادی حضرت زهرا (سلام الله علیه) کفایت می‌کند.

پس وقتی که ما این دو را که کنار هم می‌گذاریم، چند نکته به دست می‌آید؛ یک: آیا زمان فرحه الزهرا اواخر ذی الحجه است؛ نه، آن‌طرف سند معتبر ندارد فقط با حساب و کتاب و جمع و تفریق است. این‌طرف هم طبق مبانی شیع، با حساب و کتاب و جمع و تفریق قابل حساب است. و یک شبهه هم وجود دارد/شهرت هم از ائمه دارد؟ اینکه آیا روز به امامت رسیدن امام زمان این ایام است؟ قطعا

ما در زمانی که امام زمان به امامت رسیده می‌توانیم شادی بکنیم؟ می‌توانیم کلمه تتویج به کار ببریم؟ بله؛ چه مشکل دارد وقتی که آیت الله بهجت و بزرگان به کار برده‌اند. در روایات مکرر آمد است که ائمه تاج دارند، نبی تاج دارد که مفصل گفتیم. آیا کسی

می‌آمده است تا به امام بعدی تبریک بگوید؟ در روایت آوردیم سیره‌ی شیعه این بوده است، هم سیره‌ی شیعیان قم بود، هم آن کسانی که به اشتباه دور جعفر جمع شده بودند و هم خادم امام عسکری، چنین سیره‌ای داشتند.

نکته‌ی بعد؛ ائمه (علیهم السلام) انتقال ودایع به امام بعد را تبریک می‌گفتند، خود امام عسکری در روز شهادت‌شان همزمان با شهادت، به امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تبریک گفتن!.

پس اگر این‌ها را ما جمع‌بندی کنیم، مراسم گرفتن به عنوان تاج‌گذاری امام زمان هیچ مشکلی ندارد بلکه با روایت هم سازگاری دارد. حالا جنبه‌های دیگری هم باشد؛ دوتا، سه‌تا، ده‌تا جنبه برای شادی کسی مانع و منکر نمی‌شود. ولی مسئله این است که ما این طرف را خراب نکنیم، چی اصراری داریم که این طرفش را خراب کنیم؟

برای ما از این طرف با ادله ثابت شده است که می‌شود برای تاج‌گذاری امام زمان (روحي و ارواحُ العالَمينَ لِترابِ مَقْدَمِهِ الفِداء)جشن گرفت و با این عنوان هم ما سعی می‌کنیم هر سال در این روز شاد باشیم.-سعی می‌کنیم، و برنامه داریم، دنبال این نیستیم که بخواهیم شادی کسی را بگیریم یا جلوی برنامه‌ی کسی را بگیریم. اما خودمان هر سال با همین عنوان، به عنوان شادی امام زمان، تاج‌گذاری امام زمان ما خودمان در خانواده شاد هستیم.-

مجری:

اینجا هم با عنوان آغاز امامت امام عصر ویژه برنامه داریم

پس آیا این‌ها تعارضی هم با هم دارند که دو تا برنامه در یک روز باشد؟

حضرت استاد حجت الاسلام و المسلمین دکتر ابوالقاسمی:

خیر. یک نکته‌ی دیگر هم عرض کنم، در یکی از این برنامه‌ها یکی از این آقایان یک چیزی گفت، گفت که می‌خواهند خراب کنند یه عده آمده‌اند و گفته‌اند که چرا شما برای امام عسکری شام غریبان نمی‌گیرید؟ شام غریبان فقط بر امام حسین (علیه السلام) است.

سوال اگر شام غریبان فقط برا امام حسین است، نمی‌شود تاج‌گذاری هم فقط برای امام زمان باشد و برای بقیه‌ی ائمه نباشد؟ چطور شما می‌گویید شام غریبان فقط برای امام حسین است برای امام عسکری شام غریبان ندارید؟

خب پس ما هم می‌گوییم این طرف هم تاج‌گذاری از خصائص امام زمان است. ییک عده در همین شبکه‌اشان خیلی از آدم‌های حتاک و بی‌ادبی است که نسبت به بزرگان

اسلام مراعات نمی‌کنند، خودشان گیر کرده‌اند و می‌گویند حالا شما هم...، نه؛ ما می‌گوییم وقتی جواب بلد نیستید جواب را یاد بگیرید، عرض کردیم همانطوری که ماه رمضان تمام می‌شود ما عزادار هستیم، سحر که می‌شود خوشحال می‌شویم. می‌گوییم: صد حیف که آن رفت و صد شکر که این آمد. معروف است دیگر، استبعادی هم ندارد. چون امام زنده‌ی ما است، چون که ودایع الان در اختیار او است ما از این باب شادی می‌کنیم و این قضیه هیچ استبعادی هم ندارد.

مجری:

استاد شما چند جلسه‌ی قبل هم در برخی از این شبکه‌ها یک سری خصایص را درمورد لبیک و این‌ها مخصوص امام حسین گفته بودین. دقیقاً همان شبکه‌ها، همان شیوه و همان روش را آنجا به کار بردن یعنی آنجا با ذوق خودشان بود آن کار را کردند، اینجا هم باز می‌بینیم همون ذوق را دارند، خود این به یک نوعی می‌شود شیوه و سیره‌ی آنها را بررسی کرد، در مورد بحث‌های بعدی هم حداقل‌اش این است که اینجا شاید یک نکته‌ی خاصی برای خودشان جذابیت دارد و می‌آیند غیر از آن را کلّاً منکر می‌شوند و شاید همین کار را هم در جاهای دیگر بکنند.

خیلی متشکریم از شما جاب آقای دکتر از وقتی که گذاشتید و حوصله‌ای که به خرج دادید و مباحثی که ارائه فرمودید، ان‌شاءالله که بتوانیم در جلسات بعد هم این توفیق را داشته باشیم در خدمت شما باشیم و همچنین ان‌شاءالله در جلسات بعد در خدمت شما عزیزان بیننده باشیم و این برنامه‌هایتان را دنبال کنید و نظرات و پیشنهادات خودتان را برای ما ارسال کنید از طریق ۳۰۰۰۱۵۱۵۱۵ و با ما در ارتباط باشید از طریق سایت شبکه‌ی حضرت ولی‌عصر و برنامه‌های ما را در آشیو دنبال کنید و کانال ایتای شبکه‌ی ولی عصر را در گوشیتان داشته باشید خوب است. ۳۱۳ را اگر به ۳۰۰۰۱۵۱۵۱۵ بفرستید کلیپ‌ها را آنجا مشاهده می‌کنید از برنامه‌هایی که همکاران ما انتخاب کردند و این را در کانال بارگذاری می‌کنند و از آن طریق شما می‌توانید حقایق و مطالب دینی را نشر بدهید. تا دیدار دیگر از همه‌ی شما التماس دعا داریم و شما را به خدای منان می‌سپاریم.

اللهم عجل لولیک الفجرج.

خداحافظ.